

Critique and Review of “*Time, Consumption and Everyday Life*” Book

Mohammad Abbaszadeh*

Farhad Shamsi Matanagh**

Abstract

Among the common themes of the social sciences in Iran, the subject of time has been neglected in spite of its importance, and the poverty of the theoretical literature of sociology around time is quite evident with regard to the books and articles published. In this situation, translating this book into Persian, regardless of its translation defects, is a commendable and valuable work. The focus of this book is on the interrelationships between the concepts of time, consumption, daily life, psychological, social, and cultural factors, and the place of capitalism. Most of its articles have been written with a focus on behavioral theory and simultaneous involvement of micro and macro levels. By questioning the universal understanding of time and benefiting from comparative ethnography and historical analysis, the book is skeptical of common concepts such as traditional equilibrium and turbulent modernity. The experience of time is not shaped by external forces, but by time, being constantly reproduced and transformed by the sequence and timing of daily action. Many and probably most of the processes and actions involved in making time involve the use of things and consumption. The culture of commercial consumption plays an active role in creating value-time regimes.

Keywords: Time; Consumption; Everyday Life; Modernity

* Professor of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author),
m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

** PhD Candidate of Sociology of Economy and Development, University of Tabriz, Tabriz, Iran,
f.shamsi313@gmail.com

Date received: 2020-09-21, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب زمان، مصرف و زندگی روزمره

محمد عباس زاده*

فرهاد شمسی متق**

چکیده

در میان موضوعات رایج علوم اجتماعی در ایران، موضوع زمان علی‌رغم اهمیت آن مورد غفلت قرار گرفته و فقر ادبیات نظری جامعه‌شناختی پیرامون زمان با توجه به کتب و مقالات چاپ‌شده کاملاً مشهود است. در این شرایط، برگردان این کتاب به فارسی، صرف نظر از نقصهای ترجمه‌ای آن، کاری قابل تقدیر و ارزنده است. تاکید مقالات این کتاب بر روی ارتباط متقابل بین مفاهیم زمان، مصرف، زندگی روزمره، عوامل روانشناختی و اجتماعی و فرهنگی و جایگاه سرمایه‌داری است که با گرایش به نظریه کردار و دخیل کردن همزمان سطوح خرد و کلان، اغلب مقالات آن نگارش یافته. این کتاب با زیر سؤال بردن درک جهانشمول از زمان و با سود جستن از مردم‌نگاری تطبیقی و تحلیل تاریخی، برخورد شکاکانه‌ای با مفاهیم و باورهای رایج دارد. مانند این عقیده که دوره سنتی، دوره-ای متعادل و مدرنیته، دوره‌ای آشفته است. تجربه زمان به واسطه نیروهای بیرونی شکل نمی‌یابند، بلکه زمان‌مندی‌ها دائماً بازتولید شده و از طریق توالی و زمان‌بندی کردار روزمره وضع و دگرگون می‌شوند. بسیاری و احتمالاً بیشتر فرایندها و کردارهای درگیر در ساخت زمان، درگیر استفاده از چیزها و مصرف هستند. فرهنگ مصرف تجاری نقش فعالی در خلق رژیم‌های ارزش زمان‌مند بازی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زمان، مصرف، زندگی روزمره و مدرنیته

* استاد گروه علوم اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)،

m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، f.shamsi313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

۱. مقدمه

بنا به اذعان این کتاب زمان به موضوع محوری مناظرات آکادمیک و نیز حیات عمومی تبدیل شده است (شاو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱). اما در باب اهمیت موضوع «زمان» برای علمای علوم اجتماعی ایران، با توجه به کمبود منابع، پژوهش‌ها و مقالات نادری که به چاپ رسیده‌اند، این اهمیت جای پرسش دارد. برای درگیر شدن با مباحث زمان با رویکردهای جامعه‌شناختی و سایر حوزه‌های دانش اجتماعی ترجمه این کتاب به همراه چند اثر انگشت‌شمار دیگر، می‌تواند به عنوان یک حسن شروع باشد.

نوشتن درباره زمان همواره مورد توجه رشته‌های متنوعی همچون فلسفه، جغرافیا، جامعه‌شناسی، فیریک، ادبیات، الهیات، تاریخ، مردم‌شناسی و ... بوده است. اما سنت‌های علمی تاکنون چندان توجهی به ترکیب ابعاد و رویکردها نداشته و هر کدام با استفاده از ابزار خود، در مسیر خاص خودش حرکت کرده است. به ادعای ویراستاران این اثر، قصدشان در این کتاب بر این است تا با اتخاذ یک رویکرد بین‌رشته‌ای و ترکیبی از گرفتاری در تنگ‌نظری سنت‌های روش‌شناختی خاص و جدا از هم، اجتناب کنند.

۲. معرفی کتاب

کتاب «زمان، مصرف و زندگی روزمره» با عنوان فرعی «کردار، مادیات و فرهنگ» در اندازه رقعی و با جلد شومیز، حاوی ۴۵۸ صفحه است که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۹۷، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. رده‌بندی کنگره آن: ۸/۶۵۸/۸ HM و رده‌بندی دیویی (۳۰۶/۳۰۱) بوده و قیمت پشت‌جلد این کتاب ۲۶۰۰۰ تومان می‌باشد.

این کتاب شامل چهارده مقاله از اندیشمندان متنوعی از رشته‌های علوم اجتماعی می‌باشد که سه نفر به نام‌های الیزابت شاو (Shove, Elizabeth)، فرانک ترنتمان (Frank Trentmann) و ریچارد ویلک (Richard R. Wilk) کار ویرایش کتاب اصلی را بر عهده داشته‌اند و علیرضا مرادی مسئولیت برگردان اثر به فارسی را بر عهده داشته است.

۳. بررسی ساختار کتاب

ترتیب قسمت‌های کتاب ترجمه‌شده به فارسی بدین صورت است که پس از فهرست و پیش‌درآمد، فصول چهارده‌گانه کتاب آمده است. البته لازم به اشاره است که در متن انگلیسی علاوه بر قسمت‌های فوق، فهرست جداول و اشکال، معرفی نویسندگان مقالات و بخش سپاس‌گذاری کتاب نیز وجود دارد. همچنین در متن اصلی، در فهرست‌بندی، فصول در چهار بخش دسته‌بندی شده‌اند که این بخش‌بندی علی‌رغم اهمیت روشنگرانه‌اش، در ترجمه کتاب نادیده گرفته شده‌اند. عناوین این بخش‌ها را می‌توان اینگونه ترجمه کرد:

بخش یک: زمان، فضا و کردار (Time, Space and Practice)، مشتمل بر فصول ۱، ۲ و ۳
بخش دو: آهنگ حرکتی و شاخص: نظم زمانمند و اختلال (Pace and Scale: Temporal Order and Disruption)، شامل فصول ۴، ۵ و ۶

بخش سه: ضرب‌آهنگ، الگو و چرخه‌های زمانمند مصرف (Rhythms, Patterns and Temporal Cycles if Consumption)، دربرگیرنده فصول ۷، ۸ و ۹

بخش چهار: زمانمندی‌های کالا (The Temporalities of Stuff)، شامل فصول ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴

۴. نقد و بررسی ترجمه کتاب

ادبیات نظری بحث زمان، از منظر علوم اجتماعی به زبان فارسی، از جمله مباحث مغفول و فقیر می‌باشد که انتخاب چنین کتابی از سوی مترجم برای ترجمه، بسیار جای تقدیر و تشکر دارد و اقدامی ارزنده بوده است. این پیش‌قدمی و تازگی مفاهیم همیشه مخاطراتی داشته که در این اثر نیز به چشم می‌خورد. ترجمه این کتاب بیشتر حالت گرت‌برداری و بصورت کلمه‌به‌کلمه بوده است و برای بیان معناها و ایده‌های کتاب بصورت رساتر و روشن‌تر مترجم می‌توانست از رویکرد «ترجمه‌ی محتوایی، آزاد و برداشتی» استفاده کند. گرت‌برداری و ترجمه لغت به لغت برای ایفاء معنی متون علوم اجتماعی معمولاً روشی ناکارآمد است. متأسفانه متن ترجمه‌شده با متن اصلی در موارد بسیاری همخوانی ندارد و لازم است که متن ترجمه شده با متن اصلی همخوان‌سازی شود؛ چرا که به کرات در تطبیق متن فارسی با متن انگلیسی شاهد تحریف معنا، حذف جملات و شکلها و حتی نام یکی از ویرایشگران کتاب از روی جلد آن هستیم. در جای‌جای این کتاب، شواهد بیشماری از

یک ترجمه مسئله‌مند به چشم می‌خورند که دقت و بازیابی متن ترجمه‌شده را می‌طلبد. در بین نمونه‌های مورد بررسی، مثلاً در صفحه ۳۵ کتاب انگلیسی، کلمه «teleological» به اشتباه در صفحه ۷۳ کتاب فارسی «تکنولوژیکی» ترجمه شده است. این کلمه را می‌توان به فرجام‌گرایانه و یا غایت‌شناختی ترجمه کرد.

شکل ۱-۲ در صفحه ۲۲ و شکل ۱-۳ در صفحه ۲۳ کتاب انگلیسی، که مربوط به کیفیت استفاده از زمان در کشورهای فرانسه و فنلاند است، در متن ترجمه شده به فارسی حذف شده‌اند.

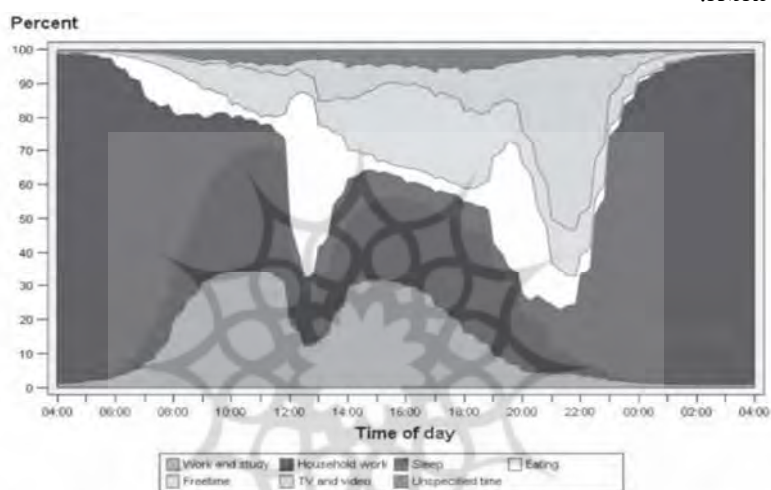


Figure 1.2 Time use, France, 2000. *Source:* Multinational Time Use Study, Version 5.5.2 (released 14 October 2005). Created by Jonathan Gershuny, Kimberly Fisher and Anne H. Gauthier, with Alyssa Borkosky, Anita Bortnik, Donna Dosman, Cara Fedick, Tyler Frederick, Sally Jones, Tingting Lu, Fiona Lui, Leslie MacRae, Berenice Monna, Monica Pauls, Cori Pawlak, Nuno Torres and Charlemaigne Victorino. ISER, University of Essex, Colchester, UK. <http://www.timeuse.org/mtus/> (accessed 31 March 2009).

شکل ۱: شکل ۱-۲ در صفحه ۲۲ کتاب انگلیسی که در برگردان به فارسی حذف گردیده است.

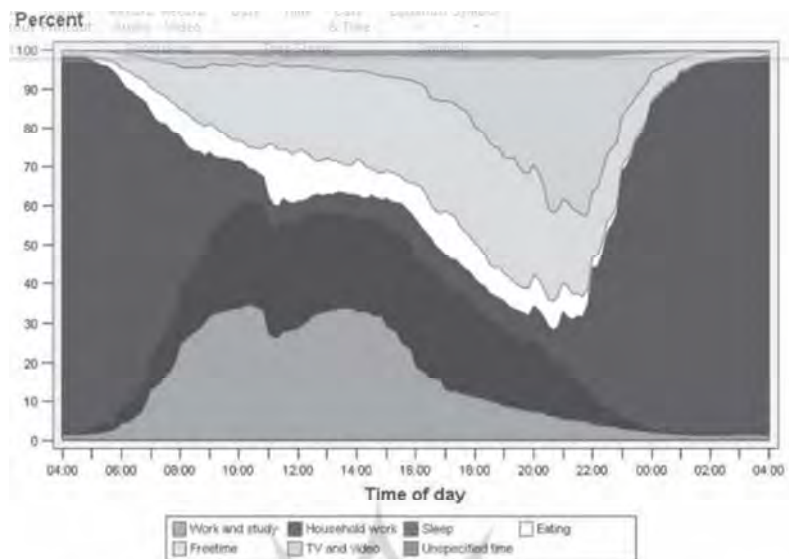
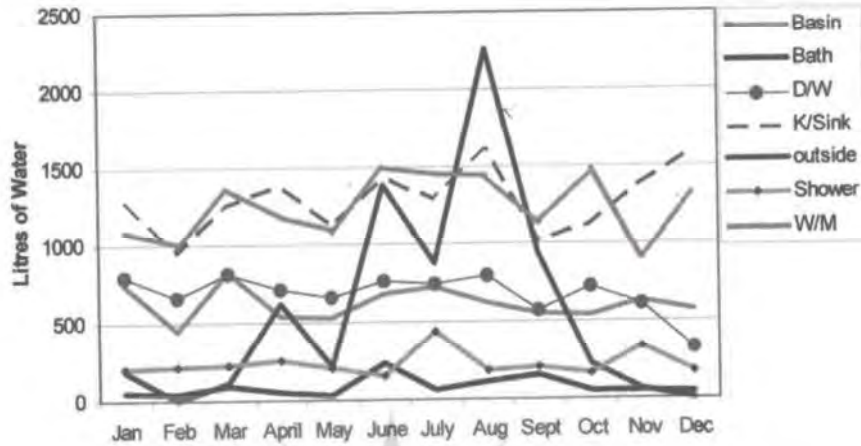


Figure 1.3 Time use, Finland, 2000. *Source:* Multinational Time Use Study, Version 5.5.2 (released 14 October 2005). Created by Jonathan Gershuny, Kimberly Fisher and Anne H. Gauthier, with Alyssa Borkosky, Anita Bortnik, Donna Dosman, Cara Fedick, Tyler Frederick, Sally Jones, Tingting Lu, Fiona Lui, Leslie MacRae, Berenice Monna, Monica Pauls, Cori Pawlak, Nuno Torres and Charlemaigne Victorino. ISEI, University of Essex, Colchester, UK. <http://www.timeuse.org/mtus/> (accessed 31 March 2009).

شکل ۲: شکل ۳-۱ صفحه ۲۳ کتاب انگلیسی که در برگردان به فارسی حذف گردیده است

در صفحه ۲۰ متن انگلیسی، عبارت: two-person household (خانوار دو نفره) وجود دارد که در صفحه ۴۶ کتاب فارسی به «دو خانوار» ترجمه شده است که این امر منجر به بی‌معنا شدن متن مربوطه و فهم ناصحیح شکل ۱-۱ شده است تا جایی که خود مترجم در بالای شکل ۱-۱ به حالت سئوالی نوشته است که: «این شکل درست است؟».

شکل ۱.۱ استفاده از آب T10149 (یک خانوار دو نفره) در سال ۲۰۰۳. این شکل درست است؟



شکل ۳: شکل ۱-۱ کتاب ترجمه به فارسی که در بالای شکل، برای مترجم این سؤال بوجود آمده که آیا شکا درست است.

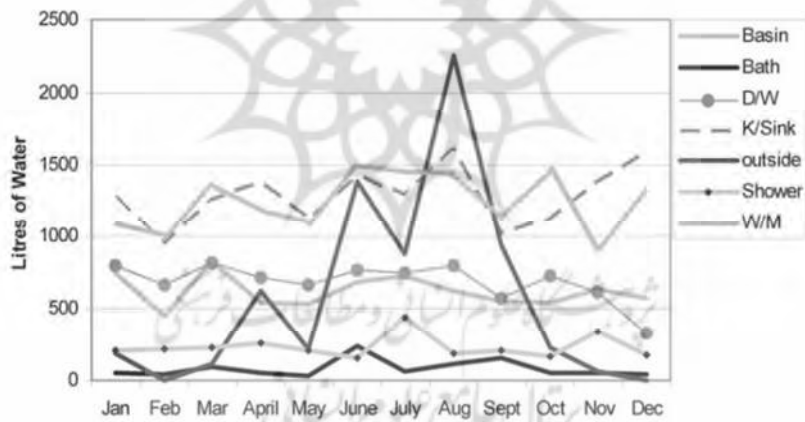


Figure 1.1 Water use of T10149 (a two-person household) in 2003. WC use not shown in graph. D/W = dishwasher; W/M = washing machine. *Source:* Anglian Golden 100. Thanks to Anglian Water for permission to use these data, which are based on micro-component studies of 100 households showing the use of each appliance recorded at 15-minute intervals.

شکل ۴: نمودار مصرف آب یک خانواده دو نفره در مکانهای مختلف خانه در ماههای مختلف سال

در صفحه ۷۵ کتاب فارسی پس از بر شمردن نام برخی نظریه پردازان بحث فضا- زمان اجتماعی، نوشته شده است که دو شاخصه در گزارش‌های این نظریه پردازان وجود دارد، که متاسفانه شاخص اول ترجمه نشده و از ترجمه حذف گردیده است. متن انگلیسی شاخص اول ترجمه نشده عبارت است از:

First, they usually, though not always, treat space-time as an objective phenomenon (Shove and et al, 2009: 36).

جمله فوق را می‌توان اینگونه ترجمه کرد: «اول، این نظریه‌پردازان بطور معمول و نه همواره، با فضا-زمان به عنوان یک پدیده‌ی عینی برخورد کرده‌اند».

در صفحه ۶۷ متن انگلیسی، فصل چهارم با شعری با عنوان خاموشی (Blackout) از Hybrid در آلبوم (2003) Morning Sci-Fi آغاز می‌گردد که در متن ترجمه شده اثری از این شهر وجود ندارد.

در فصل هفتم با عنوان «تقویم‌ها و ساعت‌ها؛ چرخه‌های تجارت گل کاری در آمریکای قرن نوزدهم» که در باب تقویم باغبانی و ارتباط آن با سرمایه‌داری است کلمه seed که در منبع اصلی، به معنای بذر و دانه، به غلط تخم ماهی و تخم‌ریزی ماهی، ترجمه گردیده که منجر به گنگ و بی معنی شدن مثالها و برخی جملات این فصل شده است. مثلاً در صفحه ۱۱۵ کتاب انگلیسی آمده است:

«his first trawl through the seed catalogue»

که مترجم کتاب آنرا به «نخستین تور ماهیگیری در کاتالوگ‌های تخم‌ریزی ماهی‌ها» برگردانده که صحیح‌تر این بود که اینگونه ترجمه شود: «نخستین تفحص او در میان کاتالوگ‌های بذرهای آماده». چراکه اساساً همانطور که عنوان فصل نیز بیان می‌کند، بحث در مورد باغبانی و گل کاری است

در صفحه ۱۴۴ کتاب انگلیسی آمده است:

«Both Durkheim and Weber associated habitual and unthinking routinized behavior with animals, and with primitive and traditional societies».

این جمله را مترجم در صفحه ۲۸۹ کتاب ترجمه شده به فارسی اینگونه برگردانده: «هم دورکیم و هم وبر به رفتارهای روزمره مبتذل و عادت‌ی با حیوانات در جوامع اولیه و سنتی پرداخته‌اند». که ترجمه صحیح جمله فوق اینگونه است که: «هم دورکیم و هم وبر رفتارهای عادت‌ی و امور روزانه‌ی غیرمتفکرانه را به دنیای حیوانات و به جوامع اولیه و سنتی

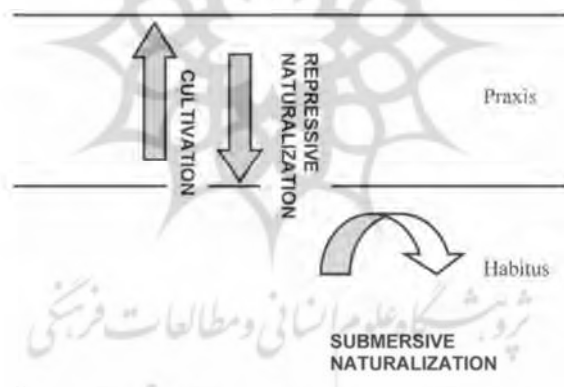
مرتبط می‌کردند». اشکال ترجمه‌ای از این نوع که مورد قبلی را نیز شامل می‌شود، موردهایی هستند که نشان می‌دهد که مترجم گرفتار ترجمه گرت‌برداری شده است که حاصل متنی غیر روشن است که در آن برخی جملات و کلمات ترجمه‌شده، با کلیت هر مقاله سازگار نمی‌باشد و بی‌معنی به نظر می‌رسند.

نیز در صفحه ۱۴۸ کتاب انگلیسی آمده است:

«The pace of a habit seems to carry me long, like a jostling crowd».

ترجمه سلیس جمله فوق می‌تواند اینگونه بیان شود که: «به نظر می‌رسد آهنگ حرکتی یک عادت، همانند گیر افتادن در ازدحام‌های جمعیتی، بی‌اختیار مرا پیش می‌برد». که این جمله را مترجم اینگونه برگردانده: «آهنگ حرکتی یک عادت در امتداد من ادامه می‌یابد، درست مانند تنه زدن جمعیت به یکدیگر».

شکل ۹-۱ موجود در صفحه ۱۵۱ کتاب انگلیسی جزء مواردی است که در برگردان به فارسی نادیده گرفته شده است. این شکل با توجه به اهمیت آن، با شماره ۵ در این نوشته مورد اشاره قرار می‌گیرد.



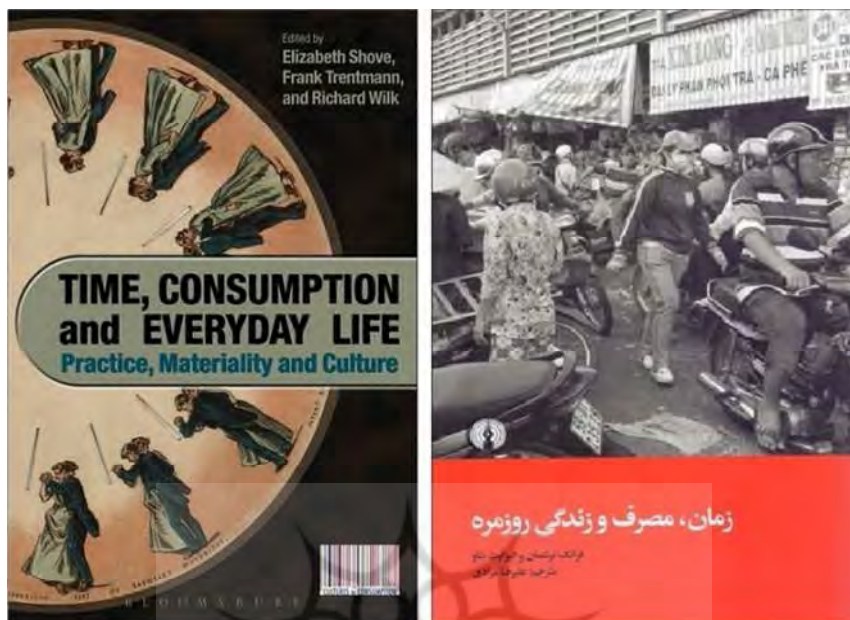
شکل ۵: مدلی از نحوه حرکت کردارها در داخل و خارج از بازتاب آگاهانه و عادی بودن روزانه

در صفحه ۳۷۷ کتاب به فارسی، با جمله «بسیاری از اشعار و آهنگ‌های محلی گریزهایی به رنگ، هوسرانی و اجتماعی بودن چای دارند»، پس از دو نقطه لازم است که شعرهای موجود در صفحه ۱۹۲ کتاب انگلیسی آورده شوند که، در ترجمه حذف شده‌اند.

ترجمه جمله These tea times are composed in and through sets of materials, idea(1)a (Shove & et al, 2009: 197) در صفحه ۳۸۵ کتاب فارسی بدین صورت انجام شده: «این زمان‌های صرف چای شامل مجموعه‌ای از اصول، ایده‌ها و شیوه‌های انجام کار می‌شود». که در این جمله، کلمه «اصول» معادلی برای کلمه انگلیسی materiality برگزیده شده که با توجه به توضیحاتی که در ادامه متن آمده، نشان می‌دهد که منظور از این کلمه ابزار و کالاهایی مانند لیوان و چای و وسایل چای‌سازی و ... است، لذا بهتر بود کلمه - ای مانند «کالا» به جای کلمه «اصول» انتخاب می‌شد.

در کل ضمن ارج نهادن به انتخاب این کتاب برای برگرداندن به فارسی، باید گفت ترجمه کنونی این کتاب بدین صورت نیازمند بازبینی اساسی در ترجمه و ویراستاری محتوایی و فنی است.

تصویر روجلد کتاب انگلیسی با الهام از ایده مقاله ریچارد ویلک طراحی شده است. ویلک بیان می‌کند زندگی روزمره به نهایت مشکل خواهد بود، اگر ما عادات و امور معمولی را نداشتیم (شاو و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹۵). اموری که باعث می‌گردند ما پیچیده - ترین امور را بدون تفکر آگاهانه انجام دهیم. زندگی معمولی رقصی موزون و نظم‌متوالی است. این رقص‌های پیچیده و ناخودآگاهانه، برای حفظ بدن‌ها، خود خودمانی، خانواده‌ها، روابط اجتماعی، خانه‌ها، وسایل نقلیه، امور مالی، ارتباطات و سلامت لازم هستند. این طرح جلد معنادار، همانگونه که در شکل شماره ۶ نمایش داده شده، در طرح جلد ترجمه فارسی کنار گذاشته شده و طرحی دیگر انتخاب شده است.



شکل ۶: مقایسه طرح روجلد کتاب انگلیسی و برگردان آن به فارسی

۵. بررسی و نقد محتوایی فصل‌های کتاب

لازم است اشاره شود که بنا به دلایل ایرادات ترجمه‌ای که در بخش قبل به برخی از آنها پرداخته شد، جهت نقد و بررسی این کتاب از منبع اصلی به زبان انگلیسی نیز سود برده شده است. تنه اصلی این کتاب شامل چهارده مقاله از اندیشمندانی با علایق و زمینه‌های فکری بسیار متنوع از رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، جغرافیا، مدیریت، مردم‌شناسی، تاریخ و ... است، که مروری بر عنوان مقالات و محتوای آنها، حاکیت از مستقل بودن هر فصل (مقاله) از فصول دیگر دارد. لذا این امر توجیهی است به دو سطح بررسی؛ اول بررسی و نقد فصل به فصل و دوم، بررسی و نقد کتاب در حالت کلی.

بخش اول با عنوان «زمان، فضا و کردار»، سه فصل اول کتاب را دربرمی‌گیرد. مقالات این بخش عمدتاً در باب ماهیت زمان و فضا، رویکردهای موجود در مطالعه زمان و فضا، انواع زمان و فضا، رابطه زمان و فضا با سازمان زندگی اجتماعی و بررسی ریتم‌های متغیر زمانی هستند. رویکرد نظریه کردار (practice theory)، رویکرد مبنایی در تحلیل‌های کل

کتاب و به ویژه مقالات این بخش می‌باشد. هدف عمده این بخش تاکید بر متکثر بودن زمان است. در فصول این بخش، این تصور و برداشت که زمان در دوره سنتی منظم، متعادل‌تر و سالم‌تر بوده و در دوره مدرن دچار آشفتگی شده، مورد تردید قرار گرفته. به جای مفروض گرفتن یک چرخش متوالی از یک نظم زمان‌مند مختص دوره سنتی به نظم زمان‌مند دیگر مربوط به دوره مرن، این بخش کمک می‌کند تا همزیستی تناوب‌های چندگانه‌ای نشان داده شود. همچنین این امر نشان داده شده که خوردن و خوابیدن، کارکردن و بسیاری دیگر از کردارهای روزمره به شکل معناداری از ریتم‌های متفاوتی پیروی می‌کنند که نمی‌توان آنها را همسو با شاخصی از توسعه و مدرنیته نظم داد. این تنوع در نظم‌دهی، توالی و فراوانی کردارهای روزمره را نمی‌توان به تفاوت در طبقه، فرهنگ، شهری‌شدن، سازمان اقتصادی و یا مراحل انقلابی فروکاست.

فصل اول با عنوان «کردار روزمره و تولید و مصرف زمان»، نوشته الیزابت شاو است. به نظر وی دو رویکرد در بازنمایی و مفهوم‌پردازی زمان‌مندی‌های خرد و کلان زندگی روزانه وجود دارد که یکی بر مصرف زمان تاکید دارد و دیگری بر تولید زمان. بر اساس رویکرد اول زمان منبع کمیابی است که کردارها مصرفش می‌کنند و رویکرد دوم بدین معنی است که این ریتم‌های زندگی اجتماعی هستند که پایه طبقه‌بندی زمانی می‌باشند. شاو برای ارجاع به عرف‌های رایج پایدار، متوالی و زمان‌بندی مرتبط با اجرای صحیح کردار از واژه «نیمرخ-زمان کردار» (oractice-time profile) استفاده می‌کند. وی برای نمو یافتن و تقسیم این نیمرخ‌ها، یا به عبارت ساده‌تر برای تبدیل شدن ترتیبات کوتاه مدت و نامناسب و استثنائی، به هنجارها و ترتیبات معمولی به دو دلیل اشاره می‌کند:

۱. شتاب گرفتن جامعه و تجربه گسترده و روزافزون تعجیل و به ستوه آمدن
۲. نیمرخ کردار-زمان فعالیت‌های خاص توسط یکدیگر، با تلاش‌های قصدمند برای ساخت امور معمولی و عادات شکل گرفته و تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

نویسنده مقاله در ادامه به بحث هماهنگ‌سازی این نیمرخ‌ها در زندگی روزمره می‌پردازد که اشکال متنوعی را می‌توان برای آن بازشناخت. هماهنگی می‌تواند ریتم جمعی داشته و ورای افرادی باشد که زندگی‌هایش را سازمان می‌دهند. و یا حالت ریتم فردی داشته باشد که نیازمند برنامه‌ریزی و مداخله‌های قصدمندتری هستند. اهمیت هر یک از این اشکال و رابطه بین آنها، تا حدودی به میزان کلی نیمرخ کردار-زمان درون هر جامعه و درون شیوه‌هایی که در آن این دو همدیگر را قطع می‌کنند بستگی دارد. علی‌رغم

فرسایش آشکار ریتم‌ها و برنامه‌های جمعی، گسترش روز (به مدد روشنایی‌ها)، و تکثیر حوادث مجزا، گسترش هماهنگ‌سازی‌های زمان‌مند اجتماعی همچنان تاثیرگذار هستند.

تد شاتزکی (Ted Schatzki)، استاد فلسفه، در فصل دوم، «فضا-زمان و سازمان حیات اجتماعی»، به این تز می‌پردازد که در هم‌تنیده شدن فضا-زمان‌های فعال، نوعی زیربنا را شکل می‌دهد که از طریق آن فعالیت‌های انسانی با هم هماهنگ شده و متراکم می‌شوند. به این دلیل که این فعالیت‌های هماهنگ و متراکم برای جامعه حیاتی هستند، این زیربنا برای حیات اجتماعی ضروری است. شاتزکی با مرور سریع بر نظریات مربوط به فضا و زمان و بیان ویژگی‌های عام آنها، به پیروی از هایدگر، مفهوم فضا‌مندی (spatiality) خودش را خلق و از نظریه‌های دیگر متمایز می‌کند. فضا‌مندی شامل جهان پیرامون یک کنشگر با اقتضائاتش و درگیر شدن در فعالیت انسانی است. این جهان مربوط است به فعالیت انسانی و نیز درگیر در فعالیتی انسانی است که سکویی برای فعالیت‌های انسانی فراهم کرده و شامل موجودیت‌هایی که در آن، فعالیت‌های انسانی قرار داده شده است. لذا این فضا‌مندی شامل ردیفی از مکان‌ها و تمهید مسیرهای در موجودیت‌های مادی می‌شود. یک مکان، مکانی است برای اجرای یک فعالیت خاص در حالی که یک مسیر، معبری برای عبور از یک مکان به مکان دیگر است. چنانکه یک فرد تمام روزش را در آنجا بگذراند، او از طریق ردیفی از مکان‌ها و مسیرها عمل می‌کند که فعالیت‌های او و دیگران را هم بازتاب داده و تعیین می‌کند. افزون بر این، مکان‌ها و مسیرها به ابژه‌هایی گره می‌خورند.

زمان‌مندی وجودی (existential temporality)، همان گونه که هایدگر آن را نامگذاری می‌کند، حاصل توالی نیست. زمان‌مندی وجودی، به شکل بسیار خاص‌تری گذشته، اکنون و آینده وجود انسانی است. برای اهداف حال، وجود را می‌توان به مثابه فعالیت انسانی درک کرد. بنابراین زمان‌مندی وجودی ابعاد گذشته، حال و آینده فعالیتی انسانی است. این ساختار را می‌توان به شیوه‌های آشناتری فرمول‌بندی کرد: بعد آینده فعالیت، کنش‌ورزی برای یک فرجام است، درحالی که بعد گذشته آن کنش‌ورزی به واسطه چیزی است. آینده غایت‌شناسی است و گذشته انگیزش است. حال، خودش کنش‌ورزی است. هم زمان‌مندی و هم فضا‌مندی فعالیت انسان پدیده‌ای غایت‌شناختی هستند. ساختار غایت‌شناسانه فعالیت انسان، آینده فعالیت است و زمینه آرایش مکان-مسیر را فراهم می‌آورد. بنابراین، فعالیت-های انسانی فضا-زمانی را بنیان نهاده و بار می‌آورد که ابعاد زمان‌مند و فضایی را ذاتاً به هم مرتبط می‌کند.

«نظم‌بندی دوباره ریتم‌های زمانی؛ هماهنگی کردارهای روزانه در بریتانیا از سال ۱۹۳۷ تا ۲۰۰۰»، عنوان فصل سوم است. ساترتون (Dale Southerton)، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه منچستر، به پارادوکس احساس فشار زمانی در دوره معاصر از سوئی و شهادت داده‌ها به اینکه مردم نسبت به نسل‌های پیشین مدت زمان بیشتری در اختیار دارند اشاره دارد. این فصل به منظور ارائه گزارشی نظری از سازمان‌زمان‌مند در حال تغییر زندگی روزمره تلاش می‌کند یک روز از زندگی را از دفتر خاطراتی که در سال ۱۹۳۷ نوشته شده، استخراج کند و آن را در رابطه با داده‌های جمع‌آوری شده در پروژه‌ای پژوهشی که در سال ۲۰۰۰ آغاز شده‌اند، تحلیل کند. رویکرد تحلیلی تجربه محوری که بر شرایط زمان‌مند آنچه مردم انجام می‌دهند متمرکز می‌شود، برای هر دو مجموعه از داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بحث مربوط به داده‌ها به واسطه مرور مختصری از یافته‌های کلیدی از طرح پژوهشی معاصر دنبال می‌شود. سپس «یک روز از زندگی» دفتر خاطرات در رابطه با چهار مقوله مورد بحث قرار گرفته است: ریتم‌های زمان‌مند، مذاکره با زمان، روابط و تجربیات زمان‌مند. در مجموع، بحث می‌شود مکانیسم‌هایی که زمان‌مندی‌ها را در سال ۲۰۰۰ سازمان می‌دهد شباهت زیادی با مکانیسم‌های سازمان‌زمان‌مند در سال ۱۹۳۷ دارد. در طول این سال‌ها آنچه تغییر کرده است، تحلیل رفتن رویدادهای زمانی است، که از لحاظ نهادی دیگر چندان با ریتم‌های زمان‌مند زندگی روزمره‌ای همچون ریتم‌های هماهنگی جمعی کردارها تعیین نمی‌شوند به ویژه کردارهایی که به روابط بین فردی مرتبط شده است. در سال ۲۰۰۰، هماهنگی فردی کردارها چالش‌هایی بنیادین در زندگی روزمره ایجاد کرده است. چالشی که در دفتر خاطرات سال ۱۹۳۷ غایب است (شاو، ۱۳۹۷: ۱۰۸ و ۱۰۹).

در بخش دوم کتاب با عنوان «سرعت و مقیاس: نظم زمانمند و اختلال» (Pace and Scale: temporal order and disruption)، طی فصول ۴ تا ۶، به این موضع پرداخته شده است که اختلالات چه در زندگی فرد و چه در جامعه، جزء امور عادی و اجتناب‌ناپذیر بوده و همچنین به سازکارهای برخورد با اختلالات اشاره گردیده است. برای معادل فارسی کلمه *pace*، به نظر بهتر بود مترجم کتاب به جای کلمه سرعت، از کلمه آهنگ‌حرکتی که گویاتر است، استفاده می‌شد. البته در فصل نهم کتاب این کار صورت گرفته است. امور معمولی زندگی روزمره همواره در موقعیت اتویپائی پیش نمی‌رود و همواره شرایط و موانعی فردی و اجتماعی اجرای بی‌کم و کاست این امور را ناگهان با سختی مواجه می‌کنند. و یا شرایط و

محدودیت‌هایی وجود دارند و افراد با حضور در موقعیت‌های چالشی مانند سفرهای روزانه، به نوعی امور معمولی خود را پیش می‌برند.

عنوان فصل چهارم «اختلال امری عادی است: خاموشی‌ها، از کار افتادگی‌ها و انعطاف-پذیری زندگی روزمره» (Disruption is Normal: blackouts, breakdowns and the Elasticity of everyday life)، به قلم فرانک ترنتمان، استاد تاریخ در دانشگاه لندن با تخصص ویژه در تاریخ مصرف بوده که در آن برای شرح ماهیت تنش‌آمیز و شکننده زندگی روزمره به موضوع اختلال می‌پردازد. به عبارتی از کار افتادگی‌ها و کمبودها خصیصه عادی (regular) زندگی روزمره هستند و حتی ما به عنوان هزینه‌ی زیستن به سبک زندگی خاصی، با اختیار و به گزینش خودمان اختلال را انتخاب می‌کنیم. مانند اختلال حاصل از ترافیک، که هزینه انتخاب فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های خانوادگی است. نکته اساسی این است که با حرکت جوامع از سنتی به مدرن، اختلالات نه تنها کاهش نیافته، حتی با وابستگی متقابل و روبه‌رشد سبک‌های زندگی به نظام‌های تکنولوژیکی، جوامع معاصر، نسبت به قبل بیشتر مستعد اختلال شده‌اند. اما اختلال به معنای بی‌نظمی نیست. بلکه با بروز اختلال، ریتم‌های جدید و ویژه مختص این شرایط ظهور می‌یابند و کارهایی که برای ادامه روند لازم است دوباره با نظم خاصی کنار یکدیگر جفت‌وجور می‌شوند. در ادامه فصل به بحث انواع و اندازه اختلال، بحرانها به عنوان نوعی از اختلال، نحوه سر و کله زدن مردم با آن و واکنش به آن و اینکه چگونه و چه میزان ریتم‌های زندگی روزمره را، در دراز مدت و کوتاه مدت، دگرگون می‌سازند، پرداخته شده است.

در صفحه ۱۴۱ کتاب، مطالعات مربوط به کنشگر-شبکه را تنها در یک پاراگراف مورد اشاره قرار گرفته که این امر حاکی از آشنایی نویسنده با نظریات موجود در این باره است. اما ترنتمان به همین اشاره جزئی اکتفاء کرده و در پی غنای بیشتر کارش با سود جستن از نظریات کنشگر-شبکه برنیاده است. نظریه کنشگر-شبکه با مفاهیم بدیع مانند جعبه سیاه‌ها، پیوندها، واسطه‌ها، ترجمه، منازعه و مذاکره و بازتعریف ماهیت کنشگران، در باب اختلالات می‌تواند روشنگر باشد. جعبه سیاه‌ها موجوداتی بدیهی، مسلم، قابل‌اعتماد و غیرقابل مناقشه‌اند... آنها در واقع محصول نهایی یک پیوند مستحکم هستند (شریف‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۱). جعبه سیاه‌ها محصول مذاکرات و ترجمه‌ها هستند، اما در مواقع بحرانی، بداهت خود را از دست داده و شکل‌گیری پیوندهای جدید، فرایندی از مذاکرات را می‌طلبد که نهایتاً ماهیت کنشگران باز تعریف می‌شود.

تام اودل (Tom O'dell)، استاد گروه مدیریت خدمات در دانشگاه لاند (Lund university) است. وی در *فصل پنجم* به اهمیت و ویژگی‌های امور معمولی زندگی پرداخته است. امور روزمره به دلیل کسل‌کننده و بدیهی بودن تاکنون چندان مورد توجه اندیشمندان نبوده است چراکه اینان عمدتاً در پی موضوعات درام (مسئله‌مند) هستند و تمایلی به امر غیردراماتیک (the undramatic) ندارند. هال (Edward T. Hall) از جاگیری امورات روزانه در هستی بیولوژیکی ما صحبت می‌کند. اودل تأکید می‌کند که شعائر و ریتم‌های فعالیت‌هایی که ما با آنها سروکار داریم، به لحاظ ژنتیکی به ارث نمی‌رسند و یا انتقال نمی‌یابند. برعکس، این شعائر و ریتم‌ها، در حالی که ممکن است کنش‌هایی تولید کنند که تقریباً غریزی به نظر می‌رسند، ولی کاملاً فرهنگی هستند (شوا، ۱۳۹۷: ۱۷۶). وی با الهام از دسرتو (Michel de Certeau) از وزن طاقت‌فرسا و خردکننده ساختار صحبت می‌کند. چرا که مردم دقیقاً به همان شیوه‌ی هر روزه، درگیر امور معمولی هستند. اودل در این مقاله، در بین امور معمولی، توجه خود را بر «سفرهای روزانه» (commute) متمرکز می‌کند و سعی در توصیف ویژگی‌های فرهنگی این نوع از حرکت‌ها دارد. جهت این سفرها اینکه از خانه به سرکار باشد یا از سرکار به خانه، از لحاظ آیینی متفاوت از هم هستند. اولی نوعی آمادگی برای کار کردن است و دومی از نظر عاطفی یک سفر آهسته‌تر است. افراد به هنگام سفر با وسایل حمل و نقل عمومی با افزایش حریم‌ها و مستقر کردن فضاها، فردی در این وسایل منجر به نامشخص شدن خط تفکیک‌کننده فضاها، عمومی از خصوصی شده‌اند. بخصوص تلفن همراه، در بی‌ثبات کردن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی، نقش بسیار کلیدی دارد.

این فصل را از جهاتی می‌توان مکمل مباحث بخش اول به خصوص فصل دوم این کتاب دانست که در آنجا به تمایز مکان و مسیرها پرداخته شده است. مکان، جایی است برای اجرای یک فعالیت خاص، در حالی که مسیر، معبری است برای عبور از یک مکان به مکان دیگر. مباحث این فصل درحقیقت توصیف زندگی کردن در مسیر است. این ایده که در مسیر نیز فعالیت‌های مربوط به مکان مانند انجام تکالیف درسی در مترو اجراء میشوند، تمایز بین مکان و مسیر مطرح‌شده در فصل دوم را، با به چالش می‌کشد.

از جمله نقدهای اساسی که به این کتاب و بخصوص به این مقاله می‌توان وارد کرد عدم استفاده از رویکردهای متداول علوم اجتماعی مانند نظریات خود انضباطی و رویکردهای اقتصاد سیاسی است. لحاظ نظریات افرادی مانند فوکو (Michel Foucault)، دولوز و گاتاری (Gilles Deleuze & Felix Guattari)، هانری لوفور، تئودر آدرنو (Theodor Adorno)، یورگن

هابرماس (Jurgen Habermas)، رولان باروت (Roland Barthes) و دیگران مطالب گفته‌شده در این فصل را که بیشتر در حد توصیف مانده‌اند را می‌تواند به مرحله تبیین و کنشگری برساند.

فصل ششم با عنوان «امور معمولی - ساختن و ویران کردن» (Routines- Made and Unmade)، به جریان زیرین کلان امور معمولی توجه می‌کند که ریتم‌ها و زمان‌مندی‌های مربوط به زندگی روزمره را می‌سازند و به ندرت ذکر شده و یا انعکاس می‌یابند. امور معمولی را می‌توان به مثابه ابزاری برای سازماندهی جریان زمان و در این فرایند، خلق ریتم‌ها و الگوهای زمان‌مند با استفاده از ترتیب‌گذاری و همزمانی در نظر گرفت. همچنین این امور را می‌توان به مثابه نظام‌نامه‌ای برای آنچه در زندگی روزمره انجام می‌شود در نظر گرفت. امور معمولی چیزی بیش از تکنیکی برای زنده ماندن هستند. این امور حوزه‌ای فرهنگی سرشار از تنش‌ها و پارادوکس‌ها را شکل می‌دهند. برخی از این پارادوکس‌ها عبارتند از:

- امور معمولی به عنوان زندانی خودساخته از عادات غیر منعطف و دیرینه یا به مثابه ساختار حکایتی مفید که امنیت و قابلیت پیشینی را پیشنهاد می‌کند.
- اینکه این امور کنش‌هایی آگاهانه هستند یا واکنش‌هایی غیرارادی که نیازی به تفکر ندارند.
- امور معمولی به مثابه الگوهای جمعی و فرهنگی، که در تقابل با امور معمولی به شدت فردی هستند.

نویسندگان این مقاله اروار لوفرن (Orvar Lofgren) و بیلی ان (Billy Ehn)، به عنوان مردم‌شناس، در قسمتی از مقاله خود شرایطی را توصیف می‌کنند که در آن افرادی با دارا بودن شکل‌های متنوع امور معمولی، مجبور به تعامل می‌شوند. مانند ازدواج کردن که طی آن، زوجین در موقعیت «امور معمولی من در برابر عادات بد تو» قرار می‌گیرند و نوعی «رزمگاه فرهنگی» (cultural battleground) ایجاد می‌شود. این نویسندگان همچنین به شرایطی اشاره می‌کنند که در آن در اثر کار بیش‌ازحد و ازدیاد عواطف و احساسات، منجر به نوعی از فروپاشی می‌شود و امور معمولی و عادات قدیمی و نیز تکنولوژی‌هایی که بوسیله آنها مردم با تعداد بی‌شماری از وظایف و تصمیمات در زندگی روزمره سروکار داشتند، همه آنها به زودی از کار می‌افتند. هماهنگی زندگی به هم می‌خورد، عادات، محتوای خود را از دست داده، بی‌معنا می‌شوند. در این شرایط مردم اغلب تغییر بسیار

دراماتیکی در رابطه با آهنگ حرکت تجربه می‌کند. علاوه بر این فروپاشی‌های فردی، فروپاشی‌های جمعی نیز مانند وقوع جنگ‌ها و بحران‌ها، منجر به از کار افتادگی‌های دراماتیکی‌تری در ریتم‌های روزمره و امور معمولی می‌شوند.

اما نکته‌ای که حائز اهمیت اینکه از کار افتادگی امور معمولی روزمره اینگونه نیست که تنها فلج‌کننده باشند، بلکه فرصتی برای تفکر مجدد و شناخت دوباره زندگی را به ما می‌دهد. این بعد خلاقانه و اثرگذار از کار افتادگی در این مقاله تنها در حد اشاره چند خطی مانده است.

بخش سوم که دربرگیرنده مقالات ۷، ۸ و ۹ است، به ضرب آهنگ‌ها، الگوها و چرخه‌های زمان‌مند مصرف پرداخته است.

جوکا گرونو (Jukka Gronow)، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه اوپسلا است که در حوزه "مصرف، ذائقه و سبک" کار می‌کند. مقاله هشتم این کتاب با عنوان «هوس‌ها (fad)، مدها (fashion) و ابداعات واقعی (real innovation): چیزهای تازه و تغییرات اجتماعی» از اوست. وی مد را چیزی جدید و یک ابداع می‌داند که منجر به اغوا کنندگی مشتریان می‌شود. گرونو پس از توضیحاتی در باب قلمرو، سرعت، چرخه‌های تکرار، قدرت الزام‌آوری، خود-پویایی (اینکه هیچ قاعده‌ای در الزام‌آور ساختن آن بغیر از خود مد وجود ندارد) و مقاومت در برابر مد، به دو دسته تبیین گرایش به مد اشاره می‌کند. اولی در مباحث جامعه‌شناختی ملهم از نظریه پرداز کلاسیک، جورج زیمل، عمدتاً از نقطه نظر ریشه‌های اجتماعی، نقش‌ها و معانی فرهنگی آن تحلیل شده است. ریشه اجتماعی در فرایند دوگانه تمایز و هویت‌یابی اجتماعی قرار دارد. دوم بر اساس توصیفات جوزف شومپتر، دگرگونی در یک ابداع تا تبدیل شدن به یک نوآوری و اشاعه اجتماعی آن از مسیر مشابهی برای آن پیروی می‌کند: از مبتکران اندک آن در ابتدا، به اقتباس‌گران اولیه و سپس به اقتباس‌گران ثانویه و سرانجام به عقب ماندگان نوآوری انتشار می‌یابد، تا زمانی که نوآوری به طیف کلی جامعه یا بیشتر بخش‌های آن نفوذ کند. شومپتر عمدتاً به این فرایند اجتماعی علاقمند بود، به این صورت که به نظر وی، پیشروان ریسک‌پذیر نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

گرونو در مقاله خود برای بیان ارتباط مد و نوآوری از نظر شومپتر استفاده می‌کند. آنچه نوآوری را از مد متمایز می‌سازد را نمی‌توان در ماهیت تکنیکی یا اقتصادی یا پیچیدگی چیزهای جدید یافت. بلکه در ماهیت تغییراتی اجتماعی یافت می‌شوند که این چیزهای تازه آغاز کرده و یا حتی احتمال آغاز شدن آن می‌رود. در حالی که طرح «مد روز» چیزی

نسبتاً بی‌ضرر و یا مبتذل است و تقریباً در هر لحظه‌ای که وارد می‌شود، بدون هیچ‌گونه نشانی، از صحنه اجتماعی محو می‌شود، نوآوری مورد نظر شومپیتر، به مثابه یک قاعده، پابرجا باقی می‌ماند. نوآوری‌ها با حضورشان، تفاوتی واقعی ایجاد می‌کنند. تفاوت‌های تکنیکی یا صرفاً اقتصادی را نمی‌توان به عنوان تبیینی مناسب به کار برد.

در قسمتی دیگر از مقاله به هوس و تمایز آن با مد پرداخته و شرح می‌دهد که هوس پدیده‌ای است که رواج آن در بین کودکان بیشتر از بزرگسالان است؛ به ندرت نیازمند ابداعات تکنیکی بزرگ بوده و با مصرف کنندگانش همچون طوفان برخورد می‌کند و تقریباً به صورت شبانه آنها را تسخیر می‌کند. اما همانند مد، بعد از تسخیر با همان سرعتی که می‌آید و ظاهر می‌شود با همان سرعت ناپدید می‌شود. هوس‌ها به مثابه یک قاعده هیچ‌گونه ردپایی دائمی در فرهنگ انسانی به جا نمی‌گذارند.

در فصل نهم، «لبه عاملیت: امور معمولی، عادات و اراده» (the Edge of Agency)، ریچارد ویلک، استاد انسان‌شناسی و مطالعات جنسیت در دانشگاه ایندیانا، به این موضوع پرداخته که آیا امور معمولی محصول اراده‌ی ما هستند، یا الگوهایی که توسط شرایط و قدرت دیگران بر ما تحمیل می‌شوند. با شروع مدرنیته این فکر شکل گرفت که، مدرنیته منجر به رهایی انسان از امور معمولی و بردگی عادات خواهد شد و زندگی بر مبنای ابتکار و انتخاب‌ها محاسبه خواهد شد. اما در عمل این نظر شکل گرفت که مدرنیته منجر به فقدان آزادی و فشار زمانی گردیده که احتمالاً نتیجه عقلانیت بوده و برای فرد و جامعه دردناک می‌باشد. بنابراین ما دو روایت فایده‌گرایانه (مدرنیته باعث رها شدن ما از کارهای پر زحمت شده) و روایت رمانتیک (در دوره سنتی ما دراصل آزاد بودیم، جامعه صنعتی ما را به دام انداخته) از مدرنیته داریم. یکی از شیوه‌هایی که نظریه‌پردازان تلاش می‌کنند تا این داستان‌های متضاد را با هم سازگار کنند این است که دو نوع زمان را مفروض می‌گیرند. یعنی آنچه لغور «زمان مکانیکی متشابه» (homogenous mechanical time) صنعت و «چرخه-های ریتمیک» (rhythmic cycles) طبیعت و کیهان می‌نامد. البته این بازتابی از بسیاری از دوگانگی‌های دیگر است. زمان خطی در برابر زمان چرخه‌ای، همزمانی در تقابل با درزمانی، ساختار در تقابل با تاریخ، گرم در تقابل با سرد است که تلاش دارد برخی از تفاوت‌های بنیادین بین تجربیات مدرن و پیشامدرن از زمان را بیان کند. انواع و ابعاد بیشتری از زمان وجود دارد که می‌توان به واسطه دوگانگی واحد یا کلیت انقلابی تسخیر کرد.

یکی از ایرادات اساسی وارد به این فصل، مقدمه و بیان مسئله طولانی است که نصف مقاله را در بر گرفته. و ایراد اساسی تر دیگر اینکه آنگاه که ویلک می‌خواهد به تحلیل پردازد کلاً مرجع داده‌های تحلیل و مفاهیمش مقاله‌ای دیگر، خارج از این کتاب، یعنی «بسوی باستان‌شناسی نیازها» (Towards an Archaeology of Needs (2001)) می‌باشد. یعنی خواننده بدون آمادگی ذهنی به ناگاه وارد فضای تحلیلی می‌شود که مربوط به فضای دیگری است.

بخش چهارم نیز شامل فصل‌های ۱۰ تا ۱۴ کتاب می‌باشد زمان‌مندی کالاها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل دهم کتاب با عنوان «خرید زمان» (Buying Time) دانیل میلر (Daniel Miller) - استاد مطالعات فرهنگ مادی در گروه انسان‌شناسی دانشگاه کالج لندن - به این موضوع می‌پردازد که یکی از جدی‌ترین ابعاد رابطه بین زمان و مصرف، وضعیت‌هایی است که تحت آن، به معنایی می‌توانیم زمان بخریم. این فصل به مطالعه دو نمونه از پدیده خرید زمان می‌پردازد. یعنی پدیده «جین‌های کهنه‌نماشده» (denim blue jeans) و دیگری «تجارت عتیقه» (patina of the past). لازم به ذکر است که واژه «کهنه‌نما» برای اصطلاح denim blue jeans از سوی نویسندگان این مقاله است و مترجم برای این اصطلاح از عباراتی همچون جین‌های تنگ، مستعمل، ریش‌ریش شده استفاده نموده است.

میلر در تحلیل تمایل به کهنه‌نماپوشی، آنرا در سایه سایر اشکال دگرگونی دانسته، سبک زندگی هیپی، که خواستار آزادی فردی، آزمایشگری و انکار مستقیم هم‌نواپی بود را موثر دانسته است. این حس به لباس‌های جین آبی پیوند می‌خورد. لباس جین این ویژگی را داراست که با شیوه زندگی فرد هماهنگ شده و قالب می‌گیرد. این روابط فردی با لباس جین به وضوح آن چیزی است که تجارت تلاش داشته است تا آن را تکرار کرده و از طریق کهنه‌نما کردن، آنرا به قبضه خود درآورد.

«ریتیم‌های فصلی و تجاری مصرف خانگی؛ مطالعه موردی ژاپن» (seasonal and commercial rhythms of domestic consumption: a Japanese case study) عنوان فصل یازدهم است، که اینگه دانیلز (Inge Daniels) آنرا به نگارش درآورده. در این فصل دانیلز با شرح اینکه چگونه تجارت می‌تواند واقعاً نیروی فعالی در تسهیل‌سازی و نیز نیروبخشی به کردارهای روحانی متعدد باشد، این استدلال را پیش می‌برد که کالایی شدن در مذهب ژاپنی، دسترسی همه‌گیر و نیز تعاملات بین فردی با خدایگان درخانه را میسر می‌نماید و

قدرت روحانی را کم اثر می‌کند. دانش آئینی که به رویدادهای سالانه خاصی نفوذ کرده است، و سابقاً از طریق اجتماعات محلی و خانواده‌های گسترده انتقال می‌یافت امروزه توسط مشاغل تجاری مثل شرکت‌های مراسم کفن و دفن و عروسی و نیز تولیدکنندگان و توزیع کنندگان مطبوعات مشاوره‌ای، مدیریت می‌شود. افزون بر این، تجار محلی، از طریق نوآوری و ترویج کالاهای مبتکرانه قادرند نه تنها خودشان را با ریتم‌های خانگی مصرف سازگار و تنظیم کنند، بلکه به شکل موفقیت‌آمیزی می‌توانند آن را هدایت کنند. چرخه‌های زندگی کالاها در خانه به شکل نزدیکی به ریتم‌های فضایی و زمان‌مند مرتبط می‌شوند، زندگی‌نامه آنان گمان می‌شود که به شکل مستقیمی از اصول هستی‌شناسانه کلان‌تری متأثر می‌شود.

فصل دوازدهم کار مشترکی است از گولیز گر (Guliz Ger) و اولگا کراوتز (Olga Kravets) با عنوان «زمان‌های خاص و معمولی؛ چای خوردن در حین حرکت» (Special and Ordinary Time: Tea in Motion). این فصل به بحث می‌پردازد که چگونه یک کردار معمولی مانند نوشیدن چای، یک زمان خاص را بوجود آورده و فی‌نفسه به ابژه چنین زمانی تبدیل می‌شود؟

توضیحاتی که نویسندگان درباب نقش چای در جامعه ترکیه ارائه کرده‌اند، مشابه نقش و جایگاه چای در کشور ما نیز است. به علت گرایش توده مردم به چای نوشیدن، چای به بخش مهمی از زندگی روزمره مردم، با شیوه‌های خاص درست کردن و نوشیدن چای سیاه و شیوه‌های فرهنگی خاص فکر کردن و مرتبط شدن با آن تبدیل شده است. نویسندگان در این مقاله به تاثیر چای کیسه‌ای، بعنوان نتیجه گریز ناپذیر توسعه تکنولوژی، می‌پردازند. در سال‌های اخیر، دسترسی بسیار گسترده به قوری‌های الکتریکی و چای کیسه‌ای، برخی تغییرات جالب توجه در کردارهای نوشیدن چای در ترکیه ایجاد کرده است. استدلال گر و کراوتز این است که آنچه چنین تغییراتی را موجب می‌شود صرفاً اصول و گفتمان‌های جدید حول استفاده از چای نیست، بلکه زمان‌مندی‌هایی است که چنین اصولی بدان دلالت دارند.

۶. بررسی و نقد محتوایی کلی کتاب

در نقد این کتاب در وهله نخست باید به این نکته اشاره کرد که مقالات این کتاب با پرداختن به مجموعه متنوعی از موضوعات که البته در کشور ما بازار مباحثه چندان گرمی

ندارد، می‌تواند فتح بابی باشد در طرح مساله برای پژوهشگران و دانشجویان. مباحث جذاب مقالات کتاب الهام‌بخش عناوینی برای انجام رساله‌های دانشگاهی است. موضوعاتی که در زندگی روزمره‌ی ما نقش مهم و حیاتی دارند اما به علت بدیهی بودن و برخورد همه روزه ما با این موضوعات آنها را نادیده می‌گیریم و همانطور که الیزابت شاو می‌گوید امور معمولی از جمله موضوعاتی هستند که گرفتار «درام بی درام» (the drama of the undramatic) هستند. اصطلاح «درام بی دارن» از سوی مترجم کتاب انتخاب شده است که به نظر می‌رسد بجای آن می‌توان از اصطلاح «دراماتیک بودم امرغیردراماتیک» استفاده کرد که گویاتر به نظر می‌رسد. نمایش اهمیت امور روزمره برای انجام پژوهش یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب است.

در بررسی انسجام درونی و اینکه آیا فصول این کتاب ارتباط ارگانیک با همدیگر دارند یا نه، باید گفت؛ هرچند بنا به ادعای ویراستاران در پیش‌درآمد کتاب موضوع مهم این کتاب فرایندهای تولید و استفاده از زمان است، اما فصول این کتاب به نظر می‌رسد بیشتر اشتراک کلی در حوزه‌ی پژوهشی دارند تا اشتراک در یک مسئله مشخص. موضوعات متنوع در باب زندگی روزمره، زمان‌مندی، مصرف و ... یکی پس از دیگری مطرح می‌شوند بدون مشخص بودن یک مسئله کلی که کتاب به دنبال آن باشد و اندیشمندان با گرایش‌های متنوع، بخواهند بدان پاسخ دهند. لذا می‌توان گفت کتاب انسجام درونی چندانی ندارد. از نظر ارتباط مقالات این اثر با یکدیگر، بیشتر حس مجمع‌الجزایری بودن القا می‌شود. به عبارت ساده‌تر هرچند هریک از مقالات کتاب دنبال پاسخ به یک سؤال مشخص است، اما سؤال اصلی که تمامی مقالات دنبال آن باشند وجود ندارد. سئوالی که می‌توانست منجر به ارتباط مقالات کتاب با یکدیگر باشند. البته لازم به ذکر است این عدم انسجام درونی مقالات به عنوان ایراد برای این کتاب حساب نمی‌شود، چرا که اساساً ویژگی کتاب‌های ویرایشی اینگونه است. دانستن این ویژگی بخصوص در تصمیمات آموزشی و انتخاب این کتاب به عنوان منبع درسی اهمیت می‌یابد که مباحث کلاسهای درسی عموماً ارگانیک بوده و نیازمند یک انسجام درونی هدفمند هستند. این خصوصیت، این مزیت را دارد که می‌توان هر یک از مقالات را بدون نیاز به مطالعه دیگر مقالات و بدون رعایت توالی مقالات مطالعه نمود.

مطالعه مقالات این اثر نشان می‌دهند که اغلب مقالات اثر نیز بیشتر شبیه ویتروینی است از کارهای نویسندگانشان که برای درک تبیین نظری بیشتر باید به منابع دیگرشان و خارج

از کتاب رجوع کرد. و ارجاع صرف به نوشته‌های این اثر دید ناقصی را ارائه می‌دهند. مقالات کتاب نه به دنبال یک ساختار کلی در کنار هم هستند و نه توان ایفاء تبیین کامل از موضوعی که طرح کرده‌اند و ارائه حداقلی از تبیین. مثلاً در فصل دوم، تدشاترکی از مفاهیم نظریه کردار سود می‌برد که برای روشن شدن منظور از این مفاهیم به سه مقاله قبلی خود ارجاع می‌دهد. در فصل ۹ ویلک تحلیلی ارائه می‌دهد که گویا ادامه مقاله است که شش سال قبل تر نوشته است. که باز در ارزیابی این اثر به عنوان منبع درسی، این ویژگی را باید لحاظ نمود.

از محورهای اساسی مورد تحلیل این کتاب، زندگی روزمره است. مسلماً بر اساس رویکردها و سطوح تحلیلی متنوعی می‌توان زندگی روزمره و ماهیت گوناگون زمان را مورد تبیین قرار داد. اما در این کتاب بسیاری از رویکردها و دیدگاه‌ها به فراموشی سپرده شده‌اند. در این میان رویکردهای تبارشناسی و اقتصاد سیاسی از مهمترین و رایج‌ترین دیدگاه‌های تبیینی غایب هستند.

نظریات خود-انضباطی در بین رویکردهای معاصر یکی از معتبرترین و جافتاده‌ترین تبیین‌ها را ارائه می‌دهند. اما در سرتاسر کتاب کوچکترین اشاره‌ای به این نظریات و سردمداران این رویکرد مانند فوکو، دریدا و گاتاری نشده است. نوربرت الیاس (Norbert Elias) معتقد است که انجام امور معمولی زندگی و ریتم‌های مرتبط با آنها، طی «فرآیند تمدن»، از حالت اجباری بودن به سوی اختیار و خودخواسته بودن و خود کنترلی میل می‌کند. عقلانی‌شدن و شرم و انزجار به عنوان شاخص‌های تعیین کننده برای فرآیند تمدن در روان انسان غربی به تدریج شکل می‌گیرد. شرم به عنوان یک تحریک هیجانی و نوعی از تنزل اجتماعی و طعنه‌های تحقیرکننده‌ی دیگران، به گونه‌ای خودکار و عادت‌گونه در شرایط تخطی از ممنوعیت‌های اجتماعی در فرد بازتولید می‌شود (الیاس، ۱۳۹۵: ۳۵۹). الیاس به‌طور کلی قابلیت اکتسابی «خود تنظیمی» (self regulation) و «خود کنترلی» (self control) را از پایه‌های اساسی تمدن غرب می‌داند (الیاس، ۱۳۷۷: ۲۱۱). در دوران مدرن شرم و انزجار، نقش‌های کلیدی در مصرف و گرایش به مد دارد.

فوکو در کتاب *انضباط و تنبیه*، اجبار غالب و منطقی برای بهنجار کردن افراد، برای تنبیه و اصلاح کژروی‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد ... انضباط به یک رشته از روش‌ها یا فنون مشاهده، ارزیابی، آموزش و جهت‌دهی به افراد، اشاره دارد. فوکو دریافت که این روش‌ها به شکل گسترده‌ای در ارتش، مدارس، و صومعه‌ها، یعنی مکان‌هایی که عمل افراد

برحسب خواست فرد دیگری جهت‌دهی می‌شود، به کار می‌رود. دانش عملی درباره‌ی ظرفیت‌ها و قابلیت اصلاح‌پذیری که در این‌گونه نهادها گردآوری و تنظیم شده بود به وضوح بیانگر رابطه‌ای بین علوم انسانی و سلطه است. با وجود این، نکته‌ای که فوکو در تمام طول کتاب بر آن تاکید دارد آن است که انضباط بر اساس عمل فرد اعمال می‌شود و دربرگیرنده خواست فرد برای به اجرا درآمدن آن است (استونز، ۱۳۸۱: ۳۸۶). فوکو به ما می‌گوید که قدرت نه از بالا و توسط گروه غالب، بلکه از پایین جریان می‌یابد. از آنجا که قدرت در گفتمان‌ها و هنجارهایی که بخشی از عملکردها، عادات و کنشها، در تمامی لحظات زندگی روزمره ما جاسازی شده و در همه جا حضور دارد لذا ما همگی حامل قدرت هستیم.

اقتصاد سیاسی از دیگر رویکردهای تحلیلی غایب در مقالات این اثر می‌باشد. از کتابی که عنوان فرعی آن عبارت است از «کردار، مادیات و فرهنگ»، اغفال و کنار نهادن مباحث شیوه‌های تولید و ساختار اقتصادی، بسیار تعجب‌انگیز است. پایه‌های طبقاتی مصرف و نگرش به زمان از جمله مباحث محوری است که اکثر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی به آن توجه نشان داده‌اند. پی‌یر بوردیو (Pierre Bourdieu) در کتاب *تمايز* (1984) بر اساس مطالعات تجربی خود به ارتباط طبقه اجتماعی با ذائقه و مصرف می‌پردازند. آنتونی گیدنز (Antony Giddens) همزمان با مدرنیته از فشردگی زمان و مکان بحث می‌کند، که این موضوع نیز در مقالات کتاب مورد نقد مورد اغماض قرار گرفته است.

مسائل اجتماعی و روحی مرتبط با زمان، ما را ناگزیر به فهم و درک ماهیت اجتماعی و نقش زمان در دنیای اجتماعی می‌کند. انسان‌ها در حال حاضر تحت القانات جامعه مصرفی هستند و زمان خود را به عنوان یک منبع با ارزش، صرف خرید و تحصیل کالاها و انطباق با الگوهای می‌کنند که از جنس «فراواقعیت» (hyper-real) هستند. به عقیده بودریار توسعه جامعه مصرفی و رسانه‌ها اکنون بدان منجر شده که خود واقعیت اجتماعی به وسیله «شبیبه-سازی» (simulation) رو به زوال رفته و تصورات و مدل‌ها جانشین انسان‌ها و اشیاء شده‌اند (نش، ۱۳۹۳: ۵۹).

۷. تحلیل جایگاه کتاب

هرچند سطح کتاب را برای مخاطبان عمومی در نظر گرفته‌اند. اما علاوه بر ثقیل بودن فصول یک و دو، مشکلاتی هم موجود بوده است که به نوعی در سطور قبلی به آن اشارت

رفت. مسلماً بازبینی محتوای مباحث، این کتاب را برای عموم بسیار مفید و جذاب تر خواهد کرد. همچنین بدلیل مسئله محور نبودن کل کتاب، و گردهم آمدن غیرمنسجم مقالات در کنار هم و جزیره‌ای بودن، منجر به این می‌گردد که کتاب جهت هدفهای آموزشی و آکادمیک نامناسب و ناکارآمد باشد.

بومی‌سازی کتاب برای ایران و آزمون نظریات ارائه‌شده در اثر، در کشور خودمان، روشنگریهای جالب توجهی را می‌تواند سبب گردد. لذا موضوعات فصول، به نحو شایسته-ای قادر هستند جهت انتخاب موضوع برای رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها الهام‌بخش باشند.

۸. نتیجه‌گیری

در میان موضوعات رایج علوم اجتماعی در ایران، موضوع زمان علی‌رغم اهمیت آن مورد غفلت قرار گرفته و فقر ادبیات نظری حول و حوش زمان با توجه به کتب و مقالات چاپ-شده کاملاً مشهود است. در این شرایط، برگردان این کتاب به فارسی، صرف نظر از برخی از ایرادهای ترجمه‌ای آن، کاری قابل تقدیر و ستایش است. تاکید مقالات این کتاب بر روی ارتباط متقابل بین مفاهیم زمان، مصرف، زندگی روزمره، جایگاه سرمایه‌داری است. که با اتخاذ رویکرد کردارمحور سعی در کنکاش این مهم دارد.

مسائل اجتماعی و روحی مرتبط با زمان، ما را ناگزیر به فهم و درک ماهیت اجتماعی و نقش زمان در دنیای اجتماعی می‌کند. انسان‌ها در حال حاضر تحت القائنات جامعه مصرفی هستند و زمان خود را به عنوان یک منبع با ارزش، صرف خرید و تحصیل کالاها و انطباق با الگوهایی می‌کنند که از جنس «فرا-واقعیت» (hyper-real) هستند. همانگونه که اشاره گردید بودریار بر این عقیده است که بسط و گسترش جامعه مصرفی و رسانه‌ها در دنیای معاصر بدین امر منجر شده واقعیت اجتماعی به وسیله «شییه‌سازی» (simulation) پنهان و دور از دید قرار گیرد و تصورات و مدل‌ها جانشین انسان‌ها و اشیاء شوند. این امر حکایت از استیلائی نگرش اسطوره‌ای در برابر دید لوجیکال دارد.

در فصل سوم کتاب، ساترتون به پارادوکس «فشار زمانی» (time pressure) اشاره می‌کند. بنابراین پارادوکس، درحالی که داده‌های تجربی حاکی از این است که مردم نسبت به نسل-های پیشین مدت زمان آزاد بیشتری در اختیار دارند اما علی‌رغم این واقعیت که نسبت به گذشته زمان کمتری کار می‌کنند و اوقات فراغت بیشتری دارند، از نظر حسی دچار فشار

زمانی بوده و خود را همواره دچار کمبود زمان می‌دانند. بالطبع از جمله پیامدهای این حس کمبود زمان کاهش سرمایه‌اجتماعی و فروغلتیدن در فضای تنهایی و انزوا است.

ترسیم شرایط به گونه فوق مسئله و سؤال از عاملیت را مطرح می‌کند. امور معمولی روزمره همواره حسی از آزادی توأم با اسارت را در فرد برمی‌انگیزند. این امور از یکسو با خلق نوعی نظم، منجر به کاهش پیچیدگی و عدم قطعیت می‌شوند و در مصرف زمان و انرژی صرفه‌جویی می‌کنند، زندگی را امن‌تر و رفتارها را قابل‌پیش‌بینی و در نتیجه ارتباطات اجتماعی را ممکن می‌سازند. اما از سویی دیگر بری بودن از ویژگی‌هایی همچون خلاقیت، اختیار و آگاهی، حس اسارت و گرفتاری را در فرد برمی‌انگیزد. با توجه به مستندات ارائه شده، به نظر می‌رسد راه‌حل ساده‌ای برای این چالش وجود ندارد. جانب‌داری از انتقادات هشداردهنده و تقییح سبک‌زندگی بسیار لغزنده و ناپایدار و در طرف دیگر طیف، ارزیابی مثبت از فشار زمانی و ربط دادن آن به مشارکت فعال و کامل در جامعه، هر دو صبغه‌ای از واقعیت دارند. البته توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که امور معمولی، اموری پویا و دائم در حال تغییر هستند و اختلالات امری عادی از زندگی روزمره ماست. اختلالات با هر منشائی چه روان‌شناختی مانند افسردگی و استرس و چه اجتماعی مانند جنگ و پاندمی، ریتم‌های کردار را دچار تغییر می‌کنند. ریتم‌های کردار همواره در حال ساخته‌شدن و ویران‌شدن هستند.

مصرف، زمان و سرمایه‌داری سه راس مثلثی هستند که در ارتباطات متقابل با یکدیگرند. چرخه‌های زمانی مانند چرخه‌های فصلی و آیین‌های تقویمی، مصرف کالای خاصی را می‌طلبند و از سوی دیگر سرمایه‌داری در تلاش است تولید و توزیع این کالاها و حتی چرخه‌های زمانی را تحت سیطره‌ی خود درآورد. زمان به عنوان یک منبع اساسی و ضروری کردار تولید و فروخته می‌شود. مانند آنچه در بحث شلواری‌های جین کهنه‌نما در کتاب مطرح گردیده است. شلواری‌های جین کهنه‌نما که حاکی از اثرات و فرسودگی‌های سبک زندگی خاصی هستند بدون مصرف زمان پوشیدن آنها از سوی خریدار، به دست او می‌رسد. زمان با تمهیدات و ابزارهای خاصی با سریع‌تر کردن بازه انجام کردار، برای مصرف‌های بعدی ذخیره می‌شوند. نوآوری‌هایی مانند یخچال فریزر، دستگاه ماکروویو و ... و عمومیت یافتن آنها و ریتم‌های کردار روزمره و هماهنگی بین این کردارها را دچار تغییر می‌کنند.

کتاب‌نامه

- استونز، راب (۱۳۸۱)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
- الیاس، نوربرت (۱۳۷۷)، تکنیک و تمدن، ترجمه مراد فرهادپور؛ فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۷، صص: ۲۰۹ تا ۲۴۶.
- الیاس، نوربرت (۱۳۹۵)، در باب فرایند تمدن، ترجمه عباس خدیوی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- شاو، الیزابت و همکاران (۱۳۹۷)، زمان، مصرف و زندگی روزمره، ترجمه علیرضا مرادی، تهران، شرکت انتشار علمی و فرهنگی.
- شریف‌زاده، رحمان (۱۳۹۷)، مذاکره با اشیاء، تهران، نشر نی.
- گونواردنا، کانیشکا و همکاران (۱۳۹۳)، فضا، تفاوت، زندگی روزمره، ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران، تیسرا، چاپ دوم.
- نش، کیت (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.

- Balmer, John M.T. and Burghausen Mario (2019), marketing the past and corporate heritage. *Marketing Theory*, volum 19 (2), 217- 227.
- Shove, Elizabeth and et al (2007), *Time, consumption and Everyday Life*, New York, Oford, BERG.